****

[حکم نقص نسیانی در اشواط سعی 1](#_Toc488167345)

[ادامه کلام محقق خویی ره 1](#_Toc488167346)

[کلام آیت الله زنجانی 1](#_Toc488167347)

[مناقشه در کلام آیت الله زنجانی 2](#_Toc488167348)

[**(مسألة 347)** 2](#_Toc488167349)

[بررسی کفاره تقصیر قبل از اتمام سعی نسیانا 2](#_Toc488167350)

[ادله روایی حکم مذکور 2](#_Toc488167351)

[روایت اول: صحیحه سعید بن یسار 3](#_Toc488167352)

[روایت دوم: روایت عبد الله بن مسکان 3](#_Toc488167353)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## حکم نقص نسیانی در اشواط سعی

### ادامه کلام محقق خویی ره

محقق خوئی فرمود اگر کسی چهار شوط از سعی را انجام دهد و سه شوط دیگر را فراموش کند تا اشهر حج منقضی شود، دلیلی بر مشروعیت اتمام سعی نداریم، بلکه باید استیناف سعی کند.

### کلام آیت الله زنجانی

اما آیت الله زنجانی فرموده روایتی که در مورد حائض آمده، اطلاق دارد، و شامل این فرض می شود که زنی چند روز قبل از محرم طواف و سعی را انجام داده و بعد از چهار شوط حیض شده، روایت ابی بصیر گفت صبر کند تا پاک شود و بعد سعی ناقص را اتمام کند، در حالی که اگر صبر کند، ماه محرم می شود، ولی روایت اطلاق دارد و شامل این فرض هم می شود.

#### مناقشه در کلام آیت الله زنجانی

به نظر ما این فرمایش ناتمام است، زیرا ظاهر روایت ابی بصیر که گفته صبر کند تا پاک شود و اگر تجاوز از نصف کرده بود، اتمام سعی کند، این است که اتمام سعی واجدة للشرائط کند و یکی از شرایط این است که الحج اشهر معلومات و باید اشهر حج اعمال حج را انجام دهد.

بله، در مورد ناسی طبعا متعارف این است که تا از بلد برگردد برای تکمیل سعی، ماه ذی الحجة تمام می شود، اما در حائض چنین نیست.

در عمره تمتع هم که دلیل خاص داریم بر این که وقتی زن حیض شد، حتی در اثناء طواف، سعی و تقصیر می کند و محرم به حج می شود و قبل از انجام اعمال حج، ابتداء طواف را تکمیل یا در قبل از تجاوز نصف قضاء می کند و بعد مشغول به طواف حج می شود.

**(مسألة 347)**

**إذا نقص شيئا من السعي في عمرة التمتع نسيانا فاحل لاعتقاده الفراغ من السعي‌ فالأحوط بل الاظهر لزوم التكفير عن ذلك ببقرة، و يلزمه إتمام السعي على النحو الذي ذكرناه.**[[1]](#footnote-1)

## بررسی کفاره تقصیر قبل از اتمام سعی نسیانا

محقق خوئی فرموده: اگر کسی سعیش ناقص بود، اما معتقد به تکمیل سعی بود و تقصیر کرد، باید یک گاو کفاره بدهد. (در حالی که اگر کسی عمدا قبل از فراغ سعی، تقصیر کند، دلیلی بر وجوب کفاره بر او نداریم.)

### ادله روایی حکم مذکور

دلیل روایی این حکم، دو روایت است:

#### روایت اول: صحیحه سعید بن یسار

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ مُتَمَتِّعٌ- سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهُ قَدْ فَرَغَ مِنْهُ- وَ قَلَّمَ أَظَافِيرَهُ وَ أَحَلَّ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَقَالَ لِي يَحْفَظُ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَإِنْ كَانَ يَحْفَظُ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَلْيُعِدْ وَ لْيُتِمَّ شَوْطاً وَ لْيُرِقْ دَماً- فَقُلْتُ دَمَ مَا ذَا‌ قَالَ بَقَرَةٍ- قَالَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَفِظَ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةً- فَلْيُعِدْ فَلْيَبْتَدِئِ السَّعْيَ- حَتَّى يُكْمِلَ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ لْيُرِقْ دَمَ بَقَرَةٍ.[[2]](#footnote-2)

(محقق داماد فلیبتدئ السعی را چنین معنا کرده که برود تکمیل سعی کند به نحوی که یقین پیدا کند هفت شوط بجا آورده است، یعنی برود به صفا و مروه و بعد شروع به تکمیل سعی کند تا یقین به هفت شوط پیدا کند، و اگر زیادتر هم بشود، اشکالی ندارد.

اما انصافا این معنا خلاف ظاهر است، زیرا ظاهر فلیبتدئ السعی این است که استیناف سعی هفت شوطی کند، و گرنه اشواط ناقص قابل تکمیل به نحوی که نه ناقص باشد و نه زائد، نیست و لذا باید استیناف سعی هفت شوطی کند.)

#### روایت دوم: روایت عبد الله بن مسکان

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ طَافَ- بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهَا سَبْعَةٌ- فَذَكَرَ بَعْدَ مَا أَحَلَّ وَ وَاقَعَ النِّسَاءَ- أَنَّهُ إِنَّمَا طَافَ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- قَالَ عَلَيْهِ بَقَرَةٌ يَذْبَحُهَا وَ يَطُوفُ شَوْطاً آخَرَ.[[3]](#footnote-3)

در سند این روایت محمد بن سنان است که مورد اختلاف است و متن آن نیز تفاوت هایی با روایت اول دارد، مورد صحیحه سعید بن یسار، عمره تمتع است، اما روایت دوم از این جهت اطلاق دارد و از طرف دیگر به جای کلمه «یری» که در روایت اول بود به معنای یعتقد، در این روایت کلمه «یظن» آمده و شاید کسی آن را به معنای اعتقاد غیر جازم بداند و از جهت دیگر در صحیحه، سخن از احلال و تقلیم اظفار بود، اما در روایت اخیر جماع هم بعد از احلال فرض شده است، اما سخنی از تقلیم اظفار در آن نیامده است.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 151](http://lib.eshia.ir/21006/1/150) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص492، أبواب أن من ظن تمام السعی فقصر...، باب14، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/492/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص493، أبواب أن من ظن تمام السعی فقصر...، باب14، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/493/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-3)